

امنیت غذایی و دسترسی به آن در ایران

علی شکوری^۱

چکیده

امنیت غذایی پیوسته بعنوان هدف اصلی سیاست‌های توسعه و دسترسی به مقدار کافی مواد غذایی و سلامت تغذیه‌ای همواره بعنوان یکی از محورهای اصلی توسعه و زیر ساخت مهم پرورش نسل‌های آینده کشور در بعد از انقلاب مورد تاکید بوده‌است. این مقاله با بهره‌گیری از روش اسنادی به بررسی‌ها رابطه بین سیاست‌های توسعه کشاورزی و امنیت غذایی بعد از انقلاب می‌پردازد و در پی آن است تا میزان موفقیت این سیاست‌ها را در ایجاد امنیت غذایی در سطح کلان و خرد دریابد. این بررسی نشان می‌دهد که هر چند دولت در چارچوب سیاست‌های توسعه روستایی و کشاورزی، اقدامات قابل توجهی را آغاز کرده و به‌ویژه این سیاست‌ها بویژه در سال‌های اخیر در افزایش میزان تولید بخش قابل توجهی از محصولات اساسی غذایی مؤثر بوده‌اند و حتی با اجرای طرح محوری گندم توانسته‌است به خودکفایی در این محصول راهبردی در سال جاری (۱۳۸۳) برسد، ولی در فراهم کردن امکان دسترسی پایدار به امنیت غذایی برای تمام افراد جامعه چندان توفیقی حاصل نشده‌است. به عبارتی درحالی‌که این سیاست‌ها تا حد زیادی سبب ارتقای امنیت غذایی ملی شده‌اند، ولی به علت وجود نابرابری‌های پایدار درآمد و ثروت در توزیع و فراهم کردن بستر موثر و پایدار آن در سطح خرد (خانوار) موفق نبوده‌است.

واژگان کلیدی:

امنیت غذایی، نابرابری، دسترسی به مواد غذایی و توسعه کشاورزی.

مقدمه

دسترسی به مقدار کافی مواد غذایی و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اساسی توسعه است و زیربنای پرورش نسل‌های آتی کشور محسوب می‌شود. نقش تغذیه در سلامت، افزایش کارایی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی، طی تحقیقات گسترده در سطح جهانی به‌ویژه در طی دو دهه اخیر با مبانی علمی و شواهد تجربی مورد تأیید است (سازمان ملل متحد ۲۰۰۳). با توجه به اینکه دسترسی به غذای کافی از ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها است، دولت‌ها موظفند اقداماتی جدی برای بهبود شرایط تغذیه‌ای توده مردم به عمل آورند. بنابراین، تأمین امنیت غذایی، مستلزم تلاش در جهت فراهم کردن امکان دسترسی تمام خانوارها به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر و فقیر به مواد مغذی مورد نیاز است. از سوی دیگر، به‌عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، بخش روستایی و کشاورزی در بین بخش‌های اقتصادی اهمیت راهبردی دارد (بایرس ۱۹۸۲؛ جانستون و کیلی ۱۹۸۲). دلایل مهم راهبردی بودن آن قبل از همه، به کارکرد آن در تأمین غذای هر کشور مربوط می‌شود. بعلاوه، این بخش، ارتباطات پسین و پیشین را با سایر بخش‌های اقتصادی برقرار می‌کند و فراهم کننده نهاده‌های آنهاست. همچنین، توسعه انسانی تا حد زیادی در گرو توانایی جامعه در ایجاد امنیت غذایی مطمئن و پایدار است که در سایه کشاورزی توسعه‌یافته میسر می‌شود. بدین معنی که هر چه این بخش توسعه‌یافته‌تر باشد، امکان توسعه سایر حوزه‌ها و بهره‌مندی دیگر بخش‌ها به‌سهولت انجام خواهد شد. با توجه به این کارکردها، فائو (۱۹۹۲) بر این نکته تأکید می‌کند که اگرچه اهمیت تاثیر بخش کشاورزی در مراحل اولیه صنعتی شدن به‌لحاظ تاریخی قابل تأیید است، ولی معیار توسعه مطلوب وابسته به توسعه و تکامل بخش کشاورزی و حل مسئله توسعه‌یافتگی بخش دهقانی است. درحالی‌که برخی از کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر با بهره‌گیری از یافته‌های علوم و فناوری نوین و اتخاذ سیاست‌های مناسب، توانسته‌اند تولید محصولات زراعی را در سطح ملی افزایش دهند، ولی در فراهم کردن شرایط دسترس‌پذیری تمام آحاد مردم (به‌ویژه گروه‌ها و اقشار پایین) به مواد غذایی کافی و مناسب موفق نبوده‌اند (گریفین ۱۹۷۹؛ لی و چوداری ۱۹۸۳؛ فرگوسن ۱۹۹۰).

توجه به امنیت غذایی در ایران همواره یکی از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی بوده‌است. عنایت به این مسئله، به‌ویژه بعد از انقلاب، در چاقوب توسعه کشاورزی و به‌عنوان هدف اصلی آن به دلیل آنکه سیاست‌های کشاورزی رژیم گذشته منجر به ایجاد شکاف درآمدی بین شهرها و روستاها، مهاجرت شدید روستاییان به شهرها، وابستگی شدید به واردات مواد غذایی و کشاورزی از خارج شده بود

به مراتب بیش از گذشته مورد تأکید قرار گرفت. سیاست‌های کشاورزی قبل از انقلاب و پیامدهای آن در ابتدای پیروزی انقلاب، مورد انتقاد تعداد زیادی از کارشناسان، دولتمردان و سیاست‌گذاران قرار گرفت و به تبع آن انتظارات زیادی برای تجدید نظر در این سیاست‌ها به وجود آمد. دولت بعد از انقلاب اقدامات نسبتاً وسیعی را برای تغییر سازمانی و اداری کشاورزی و روستایی به همراه اجرای برنامه‌های توسعه روستایی انجام داده است و انتظار می‌رود سیاست‌های جدید، اصولاً با هدف خودکفایی در تولید مواد غذایی و توزیع درآمدی در سطح روستا و شهر به منظور دسترسی به همه امکانات معیشتی مناسب به مورد اجرا گذاشته شده باشد. هدف نوشته حاضر در واقع بررسی این موضوع است که تا چه حد سیاست‌های مذکور در زمینه امنیت غذایی به اهداف خود رسیده‌اند.

بر اساس تعریف شورای جهانی غذا (WFC) امنیت غذایی بر دو محور اشاره دارد: "...اول، برای این که غذا به مقدار و کیفیت کافی — در هر زمان و هر جای مورد نیاز — موجود، در دسترس و قابل تهیه باشد؛ دوم، برای این که ضمانتی وجود داشته باشد که این وضع استمرار یابد" (نقل در دینی ترکمان ۱۳۸۳: ۹۵۷). در این مقاله، بخش اول تعریف از طریق کمیت و میزان رشد محصولات عمده زراعی و بخش دوم از طریق معرف‌هایی چون میزان فقر، توزیع درآمد و ثروت بررسی شده است.

به طور کلی مباحث این مقاله در سه بخش عمده ارائه می‌شوند. نخست به طور مختصر به روش مورد استفاده در این مطالعه اشاره می‌شود. در مرحله بعد عملکرد سیاست‌های کشاورزی در زمینه‌هایی چون سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه، سیاست‌های قیمت‌گذاری، سیاست‌های حمایتی در عرضه نهادهای کشاورزی (که فرض می‌شود تاثیر به‌سزایی در خوداتکایی در محصولات کشاورزی و همچنین امنیت غذایی دارد) مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس اثر این سیاست‌ها در رشد محصول، امنیت غذایی و دسترسی افراد جامعه، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به منظور درک بهتر این فرایند، ابتدا وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور (با توجه به سیاست توسعه کشاورزی) به صورت اجمالی بررسی می‌شود.

روش‌شناسی

با توجه به هدف مطالعه، ماهیت داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، در این مطالعه از روش اسنادی استفاده شده است. از آنجا که در این پژوهش از داده‌های قابل دسترس که از سوی سازمان‌های ذیربط از قبیل بانک

مرکزی، مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزارت جهاد کشاورزی، بانک کشاورزی و بانک جهانی تولید و منتشر شده، بعنوان مبنای برای محاسبه شاخص‌های مورد نظر و تحلیل آنها استفاده شده است. از این‌رو مقاله حاضر بر تحلیل ثانویه مبتنی است.

شرایط اقتصادی - اجتماعی

وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، پس از انقلاب شرایط جدیدی یافت. در بخش کشاورزی به تحول ساختار کشاورزی و اتخاذ سیاست‌های ویژه در ارتباط با این بخش منتهی شد. روی‌دادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تا اواخر دهه ۱۳۷۰ به گونه‌ای بود که شرایط مساعدی را برای برنامه‌ریزی دراز مدت ایجاد نمی‌کرد. برخی از فعالیت‌ها و امور از قبیل ایجاد سازمان‌ها و ارگان‌ها و تصویب قوانین و مقررات در شرایط بحرانی جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و غیره انجام شد. با وجود این، سیاست‌های کشاورزی در سال‌های پس از انقلاب تا حدود زیادی تغییر یافت. این تحول در وهله اول در واکنش به سیاست‌های پیش از انقلاب صورت گرفت. رویکرد غالب این بود که سیاست‌های کشاورزی پیش از انقلاب وابستگی کشور به خارج در زمینه تامین مواد غذایی شده و سیاست نوسازی و صنعتی کردن کشاورزی و گسترش واحدهای مکانیزه بزرگ، بیش از همه موجب صدمه‌پذیری کشور شده است.

سیاست‌های کشاورزی نخست بصورت کلی و بیشتر در سخنرانی‌های رهبران انقلاب مطرح شد. هدف عمده این سیاست‌ها اولویت دادن به توسعه کشاورزی و مسائل روستایی بود و در اصل، بر این فرض استوار بود که برنامه‌های توسعه‌ای قبل از انقلاب دارای جهت‌گیری شهری با تاکید بر توسعه صنعتی بوده و بخش روستایی و کشاورزی کشور به فراموشی سپرده شده‌است. در زمینه هدف فوق، برخی تحولات اساسی در زمینه‌هایی مانند تغییر در مدیریت کشاورزی و پیدایش مراکز خدمات روستایی و عشایری و ایجاد جهاد سازندگی به وقوع پیوست که بیانگر تغییر در نگرش دولت نسبت به کشاورزی در سال‌های پس از انقلاب است. این سازمان‌های جدید در مقایسه با واحدهای بزرگ و مکانیزه، بخش قابل توجهی از اعتبارات دولت را در ارتباط با توسعه کشاورزی و منابع طبیعی به خود اختصاص دادند. برای مثال در حالی که واحدهای بزرگ کشت و صنعت در سال‌های ۵۸ - ۱۳۷۰ به طور متوسط ۳۰ درصد از اعتبارات توسعه کشاورزی دولت را بخود اختصاص می‌دادند این رقم در سال‌های ۶۱ - ۱۳۶۰ به حدود ۱۲ درصد کاهش پیدا کرد. در مقابل، مراکز

خدمات روستایی و عشایری در دوره مذکور بیش از ۳۰ درصد این اعتبارات را به خود اختصاص دادند (بانک مرکزی ۸۰ - ۱۳۷۱: ۶۲ - ۱۳۵۶).

برنامه‌های اول، دوم و (تا حدودی) سوم در زمینه سیاست اولویت‌دهی به توسعه کشاورزی به‌ویژه امنیت غذایی تدوین شدند. برنامه اول برای سال‌های نخست، رشد متوسط سالانه‌ای حدود ۹ درصد را برای کل اقتصاد و ۷ درصد برای بخش کشاورزی پیش‌بینی کرده بود، قرار بود سهم کشاورزی از تولید ناخالص ملی از ۱۸/۹ درصد در سال پایه به ۲۰/۹ درصد برسد و سپس به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش یابد. سرمایه‌گذاری کل بخش کشاورزی ۱۶/۴ درصد کل سرمایه‌گذاری کشور پیش‌بینی شده بود و قرار بود در طی ۱۰ سال، کشور به امنیت غذایی و خودکفایی نایل شود. در برنامه دوم، نرخ رشد ناخالص ملی ۵/۱ درصد برای کل اقتصاد و ۴/۱ درصد برای بخش کشاورزی عنوان شده بود. در برنامه سوم متوسط رشد کل اقتصاد ۶ درصد و متوسط رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی ۵/۱ درصد پیش‌بینی شده بود (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۵؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۱).

از ویژگی‌های عمده این برنامه‌ها این بود که چندان بر مبنای برآوردهای واقع‌بینانه طراحی نشده بودند. برای مثال، رخدادهایی چون وقوع کشمکش‌های داخلی، وقوع جنگ تحمیلی، کاهش بین‌المللی قیمت نفت، افزایش تورم، دولت را بیش از پیش در اجرای سیاست‌های خود با محدودیت مواجه کرد. نفت که محل اتکای مالی دولت بود، بالاترین نوسان را داشته است و بر مبنای محاسبات انجام شده بالاترین انحراف معیار تولید ناخالص (۳۵/۸) را داشت که نمایانگر بالاترین نوسان در بین بخش‌های اقتصادی است (مجتهد ۱۳۷۲). خواه ناخواه این وقایع اساس برنامه‌ها و سیاست‌ها را بر منابع ناپایدار قرار می‌داد که در انحراف از اهداف و مسیر آنها منعکس می‌شد.

برخی تمهیدات برای کاهش آثار نامطلوب تحولات فوق بر اقشار پایین، از قبیل سیاست کنترل قیمت‌های برخی کالاهای اساسی تا اواخر دهه ۶۰ اعمال شد. هدف اولیه ایجاد امنیت غذایی حداقلی برای اکثریت جمعیت و به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر بود. فرض این بود که قیمت‌گذاری چندگانه در کنار اقتصاد بازار، به‌همراه تحولات یاد شده بر انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری خصوصاً در ارتباط با بخش کشاورزی

تأثیر منفی داشته و به چالش عمده‌ای برای سیاست دولت در نیل به توسعه پایدار کشاورزی برای تحقق امنیت غذایی تبدیل شده‌است.

امنیت غذایی از آنجا که با مقولاتی چون رشد محصولات زراعی، خوداتکایی در تولید این محصولات و دسترسی همه افراد جامعه به حداقل مواد غذایی مورد نیاز مرتبط است، بیش از همه از سیاست‌های کشاورزی یا توسعه روستایی متأثر می‌شود، در این بخش، پیش از پرداختن به مبحث امنیت غذایی، این سیاست‌ها را بطور مختصر بررسی می‌کنیم.

الف- سیاست‌ها

۱- اعتبارات

طرح مباحثی چون «کشاورزی محور توسعه» و «خود کفایی در کشاورزی»، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و همچنین انتقاد از سیاست‌های کشاورزی پیش از انقلاب به‌خودی‌خود این بخش را در سرلوحه برنامه‌های توسعه‌ای دولت قرار داد و همزمان توقعات زیادی را برای بالا بردن میزان سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی به‌بار آورد. در اینجا با بررسی سرمایه‌گذاری دولت از زوایای مختلف باید دید تا چه حد این انتظارات تحقق یافته‌اند.

بررسی داده‌های موجود نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری دولت در بخش کشاورزی در مقایسه با دوره پیش از انقلاب و همین‌طور در مقایسه با بخش‌های دیگر اقتصادی روند نزولی و کاهشی طی کرده‌است.

جدول ۱- متوسط سالانه سهم سرمایه‌گذاری بخش‌های کشاورزی و صنعت از کل اقتصاد

در دوره‌های مختلف

بخش	دوره زمانی			برنامه‌های قبل از انقلاب					برنامه‌های بعد از انقلاب		
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	اول	دوم	سوم	اول	دوم	سوم
کشاورزی	۲۵	۳۱/۱	۲۳/۱	۸/۵۸	۶/۲	۶/۲	۵/۷	۶/۱			
صنعت و معدن	-	-	۱۷/۶	۱۷/۶	۱۷/۴	۱۵/۴	۱۵/۴	۱۴/۱			

ماخذ: استخراج از مجموعه آمارهای سری زمانی آمارهای اقتصادی و ترانزنامه، گزارش‌های اقتصادی،

بانک مرکزی در سال‌های مختلف.

سیاست سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با بررسی تشکیل سرمایه برای کل بخش کشاورزی بیشتر نمایان می‌شود. بر اساس تحقیقی که در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان «سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در نخستین برنامه توسعه» انجام شد و برخی از نتایج آن در جدول ۱ خلاصه شده است، می‌توان گفت که بالاترین رقم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بین سال‌های ۸۱ - ۱۳۶۲ به سال ۱۳۷۸ (حدود ۶۲۸/۹ میلیارد ریال) و پایین‌ترین مقدار آن به سال ۱۳۶۹ (۷۸/۴ میلیارد ریال) مربوط می‌شود. در مقایسه با بخش‌های دیگر، پایین‌ترین سرمایه‌گذاری به بخش کشاورزی اختصاص دارد. با این حال، داده‌ها نشان می‌دهد که تشکیل سرمایه کشاورزی، روند رشد نامنظم و کندی را طی کرده است (جدول ۲).

مطالعه دیگری در سال ۱۳۷۷ تحت عنوان «بررسی اعتبارات روستایی» نتیجه مشابهی را نشان داده‌است. یافته‌های این مطالعه نشان داده که سهم سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی و کشاورزی در طی سال‌های ۷۵ - ۱۳۶۷ پیوسته کاهش یافته و از ۱۱/۳ درصد به ۴/۲ درصد رسیده‌است. در سال ۱۳۷۷، کمیسیون مجلس گزارش داد که بر اساس تبصره ۷۷ قانون برنامه دوم اقتصادی-اجتماعی، دولت باید به‌طور میانگین حداقل ۲۵ درصد از تسهیلات اعتباری تمام بانک‌ها را به بخش کشاورزی اختصاص می‌داد، اما در عمل رقم اختصاصی ۱۷ درصد بوده‌است. بر اساس این گزارش، سهم اعتبارات اختصاصی به بخش کشاورزی در مقایسه با کل بودجه عمران کشور، هر سال کاهش یافته، به‌طوری‌که این رقم از ۱۰ درصد در آغاز دومین برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی در سال ۱۳۷۴ به ۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۸ کاهش پیدا کرده‌است.

جدول ۲- تشکیل سرمایه ناخالص داخلی به قیمت ثابت بخش‌های مختلف اقتصادی

(برحسب میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۲)

سال	کشاورزی	نفت و گاز	صنعت و معدن	برق و آب	ترابری	خدمات	سایر
۱۳۶۲	۱۰۸/۹	۱۶۷/۹	۲۹۸/۵	۱۳۸/۵	۲۴۰/۸	۳۹/۶	۳۰۴/۷
۱۳۶۳	۱۵۰/۵	۱۸۸/۵	۳۵۶	۱۳۸/۴	۳۳۸/۰	۴۲/۳	۳۷۵/۹
۱۳۶۴	۱۰۶/۶	۱۳۹/۶	۴۲۴/۳	۱۸۷/۵	۳۹۶/۴	۶۲/۱	۳۷۰/۴
۱۳۶۵	۱۱۰/۷	۹۸/۸	۲۹۶/۹	۱۳۵/۶	۳۲۶/۴	۳۸/۷	۲۹۰/۲
۱۳۶۶	۹۴/۰	۸۹/۶	۲۳۳/۴	۱۱۰/۴	۱۷۰/۶	۳۴/۹	۲۲۹/۰
۱۳۶۷	۸۶/۹	۴۵/۶	۱۹۵/۶	۸۷/۱	۱۵۰/۸	۲۵/۴	۱۹۱/۶
۱۳۶۸	۸۳/۴	۴۷/۲	۱۶۸/۵	۵۷/۴	۱۴۹/۵	۱۱/۸	۱۷۴/۵
۱۳۶۹	۸۷/۴	۵۷/۵	۱۹۵	۶۷/۸	---	۱۹/۷	۱۸۲/۶
۱۳۷۰	۱۰۸/۹	۴۸/۰	۲۵۴/۵	۸۳/۵	۱۷۵/۲	۱۵/۸	۲۸۳/۲
۱۳۷۱	۱۲۴/۰	۱۱۰/۵	۴۷۱/۴	۱۵۱/۵	۱۷۵/۵	۳۷/۲	۳۵۷/۱
۱۳۷۲	۱۰۸/۵	۷۳/۲	۵۰۷/۲	۱۳۰/۲	۲۷۱/۲	۳۶/۳	۴۷۹/۴
۱۳۷۳	۱۱۹/۸	۶۶/۶	۶۵۰/۶	۲۰۱/۹	۲۸۸/۵	۳۸/۵	۴۹۸/۸
۱۳۷۴	۹۵/۱	۱۰۰/۱	۲۲/۲	۱۴۴/۱	۳۳۰/۹	-	-
۱۳۷۸	۹۴/۸	۳۴۲/۴	۲۲۰۸/۵	-	-	۳۲۸۳/۳	-
۱۳۷۹	۹۴/۴	۲۹۱/۵	۲۲۵۰/۷	-	-	۳۴۸۹/۷	-
۱۳۸۰	۱۱۳/۶	۳۳۶/۴	۲۵۰۵/۶	-	-	۳۹۳۳/۵	-
۱۳۸۱	۱۲۵/۷	۴۳۶/۷	۲۷۵۱/۹	-	-	۴۱۰۸/۷	-

ماخذ: نشریه بزرگ ۱۳۷۳، شماره ۶۷۴، ص ۲۴؛ ترازنامه سالانه بانک مرکزی ایران، ۷۵ - سازمان مدیریت و برنامه ریزی

(۱۳۸۲)، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۱، نظارت بر عملکرد سه ساله اول برنامه سوم.

توضیح: از سال ۱۳۷۸ به بعد مقادیر بر اساس قیمة ثابت ۱۳۶۹ محاسبه شده‌است.

اعتبارات بخش کشاورزی با توجه به ماهیت دوره تولید در کشاورزی، که از سایر بخش‌ها طولانی‌تر

است، عامل تعیین‌کننده‌ای در فعالیت کشاورزی محسوب می‌شود. آمار اعتبارات پرداختی در جدول ۳ نشان

می دهد که بانک کشاورزی میزان زیادی از اعتبارات مورد نیاز کشاورزان را تأمین می کرده است. بطوریکه ارقام جدول نشان می دهد، پس از پیروزی انقلاب، افزایش قابل توجهی در وام های اعطایی بانک کشاورزی به دهقانان روی داده است. هدف عمده سیاست دولت نیز ایجاد انگیزه برای زارعان بوده است. اینکه این سیاست تا چه حدی موفق بوده، نیاز به بررسی کم و کیف اعتبارات دارد.

جدول ۳- وام های اعطایی بانک کشاورزی به دهقانان

سال	کل مبالغ (میلیارد ریال)	تعداد (به هزار ریال)	کل مبالغ متوسط (به هزار ریال)	نرخ رشد	کل مبالغ نرخ تورم
۶۰ - ۱۳۵۸	۱۱۵/۴	۴۸۲/۳	۱۶۰/۳	۱۵/۷	۲۰
۶۳ - ۱۳۶۱	۱۸۴	۶۱۳/۶	۳۰۲	۲۳/۳	۱۳/۵
۶۷ - ۱۳۶۴	۱۸۵/۸	۲۸۷	۵۸۲/۳	۲۱/۵	۱۳/۴
۷۰ - ۱۳۶۸	۴۲۸/۴	۴۳۲	۹۵۹/۳	۱۲/۹	۲۳/۳
۷۳ - ۱۳۷۱	۱۲۶۱/۸	۵۳۵/۳	۲۳۴۶	۳۴/۹	۲۷/۹
۷۶ - ۱۳۷۴	۳۱۴۰/۰	۵۸۲/۶	۵۵۴۵/۳	۳۶/۶	۴۲/۶

منبع: سالنامه آماری؛ ۷۰-۱۳۶۷؛ گزارش اقتصادی ترازنامه، ۱۳۷۵ و ۸-۱۳۷۷.

بررسی وام های توزیع شده بعد از انقلاب بر اساس شاخص میانگین وزنی معلوم می دارد که قدرت خرید واقعی وام ها پایین تر از تورم بوده است. بر اساس محاسبات انجام شده که در جدول ۴ منعکس شده، میانگین وزنی برای نرخ رشد تورم ۳۳/۴۸ درصد و میانگین وزنی نرخ رشد وام ها به ۲۶/۶ درصد بالغ شده است که نشان می دهد وام ها حتی تورم موجود را جبران نکرده است به عبارتی تورم آثار آنها را خنثی کرده است. بر خلاف دوره قبل از انقلاب، که گرایش کلی وام ها به سوی واحدهای زارعی بزرگ مقیاس بوده، وام های توزیع شده بعد از انقلاب خصلتی پراکنده داشته است.

جدول ۴- نرخ سرمایه گذاری در بخش کشاورزی (۱۳۶۸-۷۵)

سال	۶۸-۶۹	۷۰-۷۱	۷۱-۷۲	۷۲-۷۳	۷۳-۷۴	۷۴-۷۵	۷۵-۷۶
نرخ سرمایه گذاری	۲۸/۳	۲۰	۱۶/۸	۲۳/۱	۱۲	۱۱/۲	۲۳/۶
نرخ تورم	۲۳/۹	۲۶/۶	۳۳/۴	۲۵/۳	۴۲/۴	۶۰	۲۵/۱۲

منبع: بانک مرکزی ۷۷-۱۳۶۰، ۱۳۸۰، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸.

بررسی‌های نگارنده روند مشابهی را در سال‌های ۱۳۷۶ به بعد تایید می‌کند؛ یعنی وام‌های اعطایی نمی‌تواند برای سرمایه‌گذاری‌های طولانی‌مدت به‌خدمت گرفته شود. همچنین کوتاه‌مدت بودن وام‌ها و مقدار کم آنها، بیانگر این واقعیت است که وام‌گیرندگان پول را برای فعالیت‌های غیرکشاورزی به‌کار می‌برند. برای مثال بر اساس برآوردی که صورت گرفته است، وام‌گیرندگان حدود ۴۴ درصد از وام دریافتی‌شان را برای هزینه‌های جاری مصرف کرده‌اند (شکوری ۱۳۸۳).

۲- توسعه اراضی و آب

یکی از موضوعاتی که در اوایل انقلاب مورد تاکید قرار گرفت این بود که بهره‌برداری اندک از ظرفیت منابع موجود کشاورزی از جمله زمین و آب از دلایل اصلی عدم موفقیت سیاست کشاورزی قبل از انقلاب بوده است. با توجه به چنین تفکری، دولت برای بهره‌برداری از ظرفیت کشاورزی تصمیم گرفت اقداماتی را در زمینه‌هایی چون تعمیر تاسیسات آبیاری سستی و ایجاد تاسیسات جدید، پوشاندن کانال‌های روباز، زهکشی اراضی قابل کشت و یکپارچه‌سازی زمین‌های دهقانان به انجام برساند.

مساحت اراضی زیر کشت آبی و دیم با بهره‌برداری وسیع از مراتع و اراضی بایر و مکانیسیون وسیع و همچنین بعثت تصرف اراضی بزرگ مالکان توسط روستائیان و زارعان گسترش پیدا کرد (بانک جهانی ۱۹۹۱؛ مجتهد ۱۳۷۲). برآورد دقیق، یکسان و جامعی وجود ندارد که نشان دهد سهم عوامل مذکور در توسعه اراضی قابل کشت چقدر بوده است. بر اساس برآورد بانک جهانی، از زمان پیروزی انقلاب، مساحت اراضی زارعی آبی و دیم بترتیب ۱۹ و ۱۲ درصد افزایش یافته است (بانک جهانی ۱۹۹۱، ص ۳). بر اساس برآورد دیگری که ده سال پس از انقلاب انجام شده، درختان و علوفه بین سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸، ۳۵ درصد افزایش داشته، ولی این میزان در مورد زراعت‌های سالیانه فقط ۱۴/۱ درصد بوده است، در حالی که زمین‌های زراعی آبی ۲۹/۱ درصد افزایش داشته، زمین‌های دیم فقط ۳/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد (مجتهد ۱۳۷۲: ۱۱).

باید در پذیرش این ارقام محتاط بود زیرا اراضی قابل کشت در محدوده‌های شهری در سرشماری کشاورزی ۱۳۶۸ محاسبه شده، ولی در سال‌های ۴-۱۳۵۳ و ۲-۱۳۶۱ در نظر گرفته نشده است. به علاوه، بخش عمده‌ای از اراضی قابل کشت به دلیل عدم بهره‌برداری صحیح از بین رفته است. بر اساس گزارش سالانه وزارت کشاورزی، ۵۰ تا ۶۰ درصد مراتع و جنگل‌ها نابوده شده و سالانه ۳۰۰۰۰۰ هکتار از اراضی قابل کشت به بیابان تبدیل شده است (نقل شده در شیرازی ۱۹۹۳: ۲۸۲). بر اساس گزارشی دیگر، فقط در برنامه

اول میزان تخریب جنگل‌ها سالانه ۳۱۰ هکتار و میزان احیا و جنگلکاری طی پنج سال برنامه ۳۳۰ هکتار بوده است. به عبارتی میزان تخریب پنج برابر جنگلکاری و میزان تخریب مراتع کشور نسبت به احیای آن بیش از ۴/۵ برابر بوده است (شریف ۱۳۷۸: ۱۴۶).

از نظر بهره‌برداری و سرمایه‌گذاری در آب و توزیع آن که از مهمترین عوامل توسعه بخش کشاورزی، کاهش آسیب‌پذیری آن، بالاخص از نظر جلوگیری از نوسانات شدید تولید در نتیجه نوسانات میزان بارندگی محسوب می‌شود، تغییرات عمده‌ای صورت نگرفته است. بر اساس گزارش وزارت نیرو (۱۳۷۲)، چهار سد از نه سدی که قبل از انقلاب طراحی شده بود تا سال ۱۳۵۷ کامل شد و بقیه آنها به همراه دو سد دیگر (شامل سد پیشان در سیستان و سد ساوه در تهران) که در سال ۱۳۶۰ طراحی شده بود، تا سال ۱۳۷۱ به تدریج کامل شدند. تشکیل این سدها ظرفیت ذخیره آب سدها را از ۱۳ میلیارد متر مکعب به ۲۷۰ میلیون متر مکعب افزایش داد. تعداد چاه‌ها و چشمه‌ها و قنات‌ها از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۶ چند برابر افزایش یافت. با وجود این افزایش، سرمایه‌گذاری دولت در بهره‌برداری از آب و زمین، فقط ۵۳/۳ درصد از ۲۳۹/۳ میلیارد ریال تخصیصی برای اجرای برنامه توسعه ۱۳۶۲ را شامل شد. اینکه اقدامات بالا تا چه حدی در نیل به اهداف توسعه کشاورزی موثر بوده اظهارات وزیر وقت کشاورزی در این مورد گویای برخی حقایق است. بنا به اظهارات وی، با وجود، امکانات بالقوه بالا، کشور هنوز قادر به کارگیری موثر آنها نبوده است. "از ۱۲۰ میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال، فقط قادر بوده‌ایم ۷۰ میلیون متر مکعب را مهیا کنیم. متأسفانه کارایی هنوز زیر ۳۵ درصد است" (نشربرزرگر ۱۳۷۲: ۵).

۳- عرضه نهاده‌های مدرن

استفاده از نهاده‌های مدرن در کشاورزی عامل اصلی افزایش تولید کشاورزی محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر در کشورهای در حال توسعه به انقلاب سبز معروف شده است. مکانیزاسیون و عرضه بذر، کود و سموم، توسعه، ترویج و تحقیق از عوامل مهمی تلقی می‌شوند که در کنار عوامل یادشده، برای بهبود شرایط کشت و افزایش محصول ضروری‌اند. بررسی روند برنامه مکانیزاسیون دولت در سال‌های پس از انقلاب نشان می‌دهد که تعداد تراکتور موجود در کشور در سال ۱۳۵۸، ۷۸۰۰۰ دستگاه بوده و در سال ۱۳۶۶ به ۱۳۵۰۰۰ دستگاه افزایش پیدا کرده است و تعداد خرمن‌کوب و کمباین در طی دوره یادشده ۱۵ درصد افزایش یافته

است (آموزگار ۱۹۹۳: ۱۹۰). با وجود این، بعد از افزایش دوره فوق، فروش تراکتور بسیار تنزل پیدا کرده است (جدول ۵). دلیل اصلی این مسئله، کاهش عایدات نفتی و جهت‌دهی اعتبارات مالی از کشاورزی به امور جنگ بوده است. پس از سال ۱۳۶۴ خصوصاً تا سال ۱۳۶۶، اعتبارات ارزی برای ماشین آلات کشاورزی از ۲۴۰ میلیون دلار به ۱۸ میلیون دلار تنزل یافت. این وضعیت سبب محدودیت واردات این ماشین‌آلات از خارج و کاهش تولید داخلی شد.

جدول ۵- تعداد تراکتورهای فروخته شده در سال‌های ۷۵-۱۳۶۰

سال	تعداد	سال	تعداد
۱۳۶۰	۱۴۷۲۷	۱۳۶۸	۶۲۹۰
۱۳۶۱	۲۸۹۷۷	۱۳۶۹	۷۴۹۹
۱۳۶۲	۳۲۹۱۸	۱۳۷۰	۷۷۵۳
۱۳۶۳	۱۳۸۸۱	۱۳۷۱	۵۱۴۴
۱۳۶۴	۱۵۸۴۰	۱۳۷۲	۲۳۶۴
۱۳۶۵	۱۲۶۹	۱۳۷۳	۱۹۵۲
۱۳۶۶	۳۲۷۸	۱۳۷۴	۱۷۳۷
۱۳۶۷	۱۷۵۷	۱۳۷۵	۸۷۷

ماخذ: نشریه بزرگ، ۱۳۷۱، شماره ۶۷۱، ص ۱۷

بررسی شاخص قیمت ماشین آلات کشاورزی نیز نشان می‌دهد که افزایش در تعداد تراکتور، کمباین و خرمن‌کوب در دهه ۷۰، بیشتر به دلیل یارانه‌های سنگین دولت، برای تشویق زارعان برای به‌کارگیری آنها بوده است، ولی در نتیجه سیاست آزادسازی اقتصادی بعد از جنگ، قیمت ماشین‌آلات کشاورزی ۶ تا ۱۰ برابر بالا رفته است (جدول ۶).

جدول ۶- تعداد تراکتورهای توزیعی و موجودی کشور به تفکیک سال

(با احتساب عمر مفید ۱۳ سال و کسر استهلاک)

سال	تعداد تراکتورهای توزیعی	تعداد تراکتورهای موجود
۱۳۷۰	۱۲۴۶۹	۲۲۰۹۴۷
۱۳۷۱	۸۲۴۶	۲۱۴۹۵۳
۱۳۷۲	۷۳۲۱	۲۰۷۲۹۴
۱۳۷۳	۴۲۱۷	۱۹۶۰۸۴
۱۳۷۴	۵۲۵۰	۱۶۷۴۲۳
۱۳۷۵	۴۷۱۵	۱۳۶۳۳۷
۱۳۷۶	۲۰۳۹	۱۱۴۰۹۵
۱۳۷۷	۳۹۱۷	۹۱۹۹۱
۱۳۷۸	۴۳۷۸	۸۲۱۳۰
۱۳۷۹	۷۴۷۴	۸۴۵۷۸

وزارت جهاد کشاورزی ۱۳۸۱.

به طور کلی بررسی وضعیت نیروی کشش تراکتور و کمباین در بخش کشاورزی نشان می‌دهد که طی سالهای برنامه اول و دوم تعداد پیش‌بینی شده این ماشین آلات تامین نشده است بطوریکه طی برنامه اول ۲۶/۲ درصد و طی برنامه دوم به طور متوسط کمتر از ۱۲ تراکتورهای پیش‌بینی شده تامین شده است. در مورد کمباین نیز شرایط مشابهی حاکم بوده است، برنامه اول صرفاً ۲/۷ و در طی برنامه دوم ۱۲/۵ درصد از کمباین‌های پیش‌بینی شده در برنامه تامین شده است. عدم تامین ماشین آلات و ادوات کشاورزی باعث بالا رفتن عمر ماشین‌های موجود و فرسوده شدن بیش از حد متعارف آنها شده است. در برنامه سوم توسعه تامین ماشین آلات و ادوات کشاورزی و بهبود مدیریت بهره‌برداری از ماشین‌ها و تجهیزات تا رفع بحران مکانیزاسیون و حمایت از تولیدکنندگان کود و سم در داخل مورد توجه قرار گرفت. در این زمینه تعدادی از ماشین‌آلات در سال‌های اخیر تامین و توزیع شده که در مجموع توانسته ۰/۲ اسب بخار به توان مکانیزاسیون بخش اضافه کند

عرضه کود شیمیایی به کشاورزان در ۵ سال از انقلاب رشد سریعی را طی کرده و از سال ۱۳۶۳ به بعد با کاهش نسبی مواجه بوده است. دولت برای کود و سموم دفع آفات طی سال‌های متمادی یارانه زیادی پرداخته است. سیاست پایین نگه داشتن قیمت برای مدتی با توزیع رایگان یا شبه رایگان کود تحت عنوان «طرح افزایش محصول» همراه بوده است (بانک جهانی ۱۹۹۱: ۸). با وجود این، هدف‌های برنامه توسعه در سال ۱۳۶۲ تحقق نیافته و فقدان ارز، نابودی کارخانه‌های تولید کود در طول جنگ، از دلایل عمده آن بوده است. به علاوه عرضه یارانه‌ای کود به پیدایش بازار آزاد انجامیده و به نفع دهقانان بوده که کود شیمیایی یارانه‌ای را به جای اینکه برای زمین‌های خود بکار ببرند، در بازار آزاد بفروشند.

از نظر فعالیت‌های تحقیقاتی، فاصله زیادی بین نیازها و تحقیقات انجام شده وجود دارد. وضعیت پژوهش کشاورزی در برنامه‌های توسعه چندان امید بخش نبوده است. سیاست مشخص و ثابتی در کار تحقیق مشاهده نمی‌شود. مقایسه بین اعتبارات تخصیصی به کل بخش کشاورزی و پژوهش در امور کشاورزی نشان می‌دهد که درصد اعتباراتی که برای بخش کشاورزی اختصاص داده شده، همیشه بیشتر از اعتبارات پژوهش بوده است. بجز سال‌های ۷۱ - ۱۳۷۰، عملکرد برنامه‌ها پایین‌تر از اهداف آنها بوده و مقدار اعتبارات اختصاصی به پژوهش کشاورزی حتی در برخی سال‌ها (مانند سال‌های ۷۴ - ۱۳۷۳، ۷۰ - ۱۳۶۹، ۸۱ - ۱۳۸۰ و ۷۶ - ۱۳۷۵) صفر بوده است. در حالی که بر اساس اهداف برنامه از کل اعتبارات بخش کشاورزی باید حداقل ۱۲ درصد یارانه به پژوهش اختصاص یابد، ولی این مقدار به هیچ وجه تحقق نیافته است. بنابراین، روند نامنظم در عملکرد و اهداف برنامه‌ها، موجب فقدان موفقیت برنامه‌ها در ارتباط با پژوهش کشاورزی شده است. آموزش‌های ترویجی با هدف انتقال یافته‌های تحقیقاتی و آموزشی کشاورزان و بهره‌برداری بخش، تجهیز و حمایت از مروجان در طول سه سال اول برنامه (۸۱-۱۳۷۹)، معادل ۸۵۳ هزار نفر در روز پیگیری شده و معادل ۳۶ درصد هدف مورد نظر محقق شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۲: ۱۳۳۰).

۳- قیمت‌گذاری

قیمت‌گذاری محصولات زراعی از مهم‌ترین سیاست‌های کشاورزی محسوب می‌شود که در ایران به‌ندرت به‌طور صحیح از آن استفاده شده است. در سال‌های دهه ۵۰ با افزایش درآمدهای ارزی در نتیجه افزایش قیمت‌های نفت به‌منظور کنترل تورم‌فزاینده ناشی از تقاضای روبه گسترش، سیاست واردات و تثبیت قیمت محصولات کشاورزی، اعمال شد. این سیاست عملاً به کاهش تولید شد محصولات راهبردی و افزایش

واردات این محصولات منجر شد. بعد از انقلاب، به دلیل اینکه سیاست قیمت گذاری در واقع نوعی تبعیض علیه بخش کشاورزی و روستایی در مقابل بخش صنعت و بخش شهری تلقی می شد، مورد توجه مسئولان قرار گرفت. از اقدامات اولیه برای رفع تبعیض، تاکید بر افزایش قیمت های تثبیتی محصولات اساسی کشاورزی بود. با این حال، تحولات سیاسی-اقتصادی دهه اول انقلاب از قبیل جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی و کاهش قیمت های نفت و اعمال کنترل های دولتی بر قیمت ها، مجالی برای بازنگری اساسی در مورد قیمت گذاری بوجود نیاورد. از اینرو سیاست قیمت گذاری بر اقلام کشاورزی روندی نامنظم و غیرمنطقی را طی کرد. ترکیبی از قیمت های کنترل شده و یارانه ای و قیمت گذاری دوگانه، برای اقلام اصلی به همراه توزیع کوپنی برای قشرهای خارجی جمعیت، ویژگی عمده سیاست های تثبیتی را تشکیل می داد. در بین غلات، گندم به لحاظ اهمیت راهبردی برای دولت مهم بود. دولت قیمت آن را هر سال تعیین و مازاد تولید دهقانان را خریداری می کرد. قیمت ها توسط دولت با هدف ایجاد انگیزه برای افزایش تولید تعیین می شد. در مقایسه با سایر غلات، دولت یارانه بالایی را برای گندم می داد. در سال ۱۳۶۸، قیمت خرید از کشاورزان کیلویی ۹۱ ریال و قیمت فروش به کارخانه های آرد ۱۷/۵ ریال بود. نان مواد غذایی ضروری محسوب می شد که قیمت آن برای مصرف کننده در سراسر دهه ۱۳۶۰، ۳۰ ریال بوده است (بانک جهانی ۱۹۹۱: ۴۲). در سال ۱۳۷۰، قیمت های تضمینی همراه با سیاست عقلانی کردن یارانه ها افزایش پیدا کرد و برای تولیدکنندگان با سطح قیمت های جهانی تطبیق داده شد و قیمت نان تا ۵۰ درصد افزایش یافت. دولت به نان در شهرها (هر کیلو گرم ۱۸ تا ۲۰ ریال)، یارانه می داد. این مسئله سبب شد تا روستاییان حتی آنانی که در اطراف شهرها بودند، به مصرف کنندگان ناوایی های شهری مبدل شوند (همان). دخالت دولت در کار جو، مشابه گندم نبود و به لحاظ تقاضای بیشتر برای مصارف دامی، قیمت جو در بازار به مراتب بیشتر از قیمت های تضمینی بود. به این دلیل، تولید جو سریع تر از گندم افزایش یافت (جدول ۷).

جدول ۷- محصولات برگزیده به هزار تن

اقلام	سال	۹ - ۱۳۵۸۵	۵ - ۱۳۶۴	درصد افزایش
گندم		۱۰۶۳	۱۱۴۰	۷۲۴
جو		۱۰۰۰	۱۲۰۰	۲۰
برنج		۳۲۱۵	۳۵۴۷	۱۳
سیب زمینی		۱۴۳۲۴	۱۵۷۹۲	۱۰
پیاز		۱۵۴۹۱	۱۹۲۹۷	۲۵

ماخذ: بانک جهانی، ۱۹۹۱، ص ۱۲

برنج بر خلاف نان کمترین یارانه را داشته و تولید برنج بیشتر به قیمت‌های بازار، توزیع و فروخته شده است. سیاست قیمت‌گذاری دولت برای برنج، تلاشی ناموفق در کنترل قیمت‌ها به همراه اعمال سیاست غیرمستقیم واردات و کنترل فروش داخلی بوده است. علت عدم موفقیت دولت، به کشمکش بین عوامل مصرف کننده و طرفدار عمده فروشان داخل دولت ارتباط پیدا می کرد که گروه اخیر لابی هایی را در جهت منافع عمده فروشان به کار می بردند. قیمت گیاهان روغنی، شکر، چغندر قند و سیب زمینی تحت تاثیر نوسانات منظم بوده است. مواد غذایی اساسی چون گوشت و شیر، بازار دوگانه ای داشته و به بخشی از تولیدکنندگان در مرحله تولید و به مصرف کنندگان در مرحله عرضه یارانه داده شده است. به طور کلی، سیاست قیمت گذاری محصولات کشاورزی بیشتر ابزاری سیاسی برای حفظ وضع موجود و نه اقدامی موفق برای کنترل تولید و قیمت بوده است.

ب- امنیت غذایی

از شاخص های عمده ای که برای سنجش امنیت غذایی به کار می رود ضریب خودکفایی محصولات زراعی و میزان و گستره دسترسی به مواد غذایی است. هرچند خودکفایی در میزان مواد غذایی در سنجش امنیت غذایی شرطی ضروری است، ولی بدون دستیابی گروه های مختلف مردم به محصولات، امنیتی ایجاد نمی شود. در این قسمت نخست به میزان تولید و رشد محصول و ضریب خوداتکایی مواد غذایی و سپس به دسترسی مردم به مواد غذایی به همراه متغیرهای مرتبط از قبیل توزیع درآمد و ثروت می پردازیم.

۱- تولید و رشد محصول

بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۰۴)، نرخ رشد تولید کشاورزی در سال‌های پس از انقلاب قابل توجه بوده است. در دو دهه گذشته، کل ارزش محصولات سالانه به‌طور متوسط ۱۱/۵ درصد افزایش داشته که ریشه در سیاست‌های حمایتی دولت داشته است (بانک جهانی ۲۰۰۴: ۳۰). این رشد تقریباً شامل تمام غلات می‌شود (جدول ۸). با این حال، بنظر می‌رسد که افزایش تولید محصولات در سال‌های پس از انقلاب؛ به‌ویژه در دهه اول آن به‌دلیل توسعه اراضی زیر کشت، توزیع یارانه‌ای کود و سموم و بذر اصلاح شده بوده است تا بهبود بهره‌وری. در این سال‌ها تولید و رشد محصولات از روند منظم و مستمری تبعیت نکرده است.

جدول ۸- روند تولید تعدادی از محصولات کشاورزی طی سال‌های ۸۱-۱۳۵۷ (هزارتن)

سال	گندم	جو	برنج	چغندر قند	دانه‌های روغنی	پنبه	سبب زمینی	تباکو	پیاز
۱۳۵۷	۵۵۱۷	۱۲۳۰	۱۳۹۹	۴۱۸۷	۱۰۵	۵۵۷	۶۹۷	۱۴	۳۹۲
۱۳۵۸	۵۶۱۰	۱۲۱۷	۱۵۲۷	۳۶۶۰	۱۲۶	۴۲۷	۷۳۵	۱۳	۳۹۲
۱۳۵۹	۵۹۴۶	۱۲۶۲	۱۲۷۱	۳۸۱۴	۹۹	۳۲۲	۹۹۸	۲۰	۵۱۵
۱۳۶۰	۵۷۴۴	۱۲۶۵	۱۱۸۱	۳۹۱۷	۱۱۰	۲۱۹	۱۲۷۰	۲۴	۶۳۱
۱۳۶۱	۶۶۱۰	۱۷۰۰	۱۹۲۴	۲۳۳۱	۱۰۵	۲۷۵	۱۵۴۰	۲۷	۶۷۵
۱۳۶۲	۶۶۶۰	۱۹۰۳	۱۶۰۵	۴۳۲۱	۱۳۸	۳۵۸	۱۸۱۴	۲۵	۹۶۵
۱۳۶۳	۵۹۵۶	۲۰۲۴	۱۲۱۵	۳۶۴۸	۱۸۸	۳۰۰	۱۷۴۰	۲۱	۷۳۶
۱۳۶۴	۶۲۰۷	۲۲۹۳	۱۴۷۴	۳۶۹۲	۱۱۸	۳۵۱	۱۷۸۴	۲۲	۸۴۴
۱۳۶۵	۶۶۳۱	۲۲۹۷	۱۷۷۲	۳۹۲۴	۱۳۷	۳۲۴	۱۷۲۵	۲۸	۹۱۹
۱۳۶۶	۷۵۵۶	۲۵۰۵	۱۷۸۴	۴۹۶۵	۱۳۷	۳۵۹	۲۳۴۹	۲۸	۸۲۴
۱۳۶۷	۷۶۰۰	۲۷۳۱	۱۸۰۳	۴۵۶۳	۲۲۲	۳۴۱	۲۳۸۴	۲۵	۹۲۳
۱۳۶۸	۷۲۶۵	۳۳۹۴	۱۴۱۹	۳۴۵۴	۲۹۸	۳۸۰	۱۴۴۳	۲۱	۶۱۲
۱۳۶۹	۶۱۱۰	۲۸۷۸	۱۸۵۴	۳۵۳۵	۲۳۶	۳۹۵	۲۰۳۳	۱۵	۶۶۲
۱۳۷۰	۶۰۱۲	۳۵۴۸	۱۶۸۱	۳۶۴۱	۵۴۱	۴۲۷	۲۰۱۶	۱۹	۱۲۱۳
۱۳۷۱	۸۷۴۳	۳۱۰۲	۳۳۵۷	۵۰۰۰	۱۳۷	۱۱۴	۲۶۱۲	۲۰	۱۲۰۰
۱۳۷۲	۱۰۱۷۹	۳۰۶۵	۲۳۶۴	۶۰۰۵	۲۶۷	۳۳۰	۲۷۰۸	۲۲	۱۱۲۵
۱۳۷۳	۱۰۷۲۲	۳۰۵۸	۲۲۸۱	۵۴۰۸	۳۱۶	۲۷۵	۳۲۲	۲۰	۱۳۰۵
۱۳۷۴	۱۰۸۷۰	۳۰۴۵	۲۲۵۶	۵۲۹۵	۲۸۸	۳۸۷	۳۱۸۵	۱۰	۱۱۱۲
۱۳۷۵	۱۱۲۲۸	۲۹۵۲	۲۳۰۱	۵۵۲۱	۲۳۴	۵۲۳	۳۰۷۴	۱۴	۱۱۳۰
۱۳۷۶	۱۰۰۱۵	۲۷۳۶	۲۶۸۵	۳۶۸۷	۲۱۰	۵۹۸	۳۱۴۰	۱۷	۱۲۰۰
۱۳۷۷	۱۱۹۵۵	۳۳۰۰	۲۷۷۰	۴۹۸۷	۳۱۲	۴۵۹	۳۴۳۰	۲۳	۱۲۰۹
۱۳۷۸	۸۶۷۳	۱۹۹۹	۲۳۴۸	۵۵۴۸	۲۵۰	۴۴۱	۳۴۳۳	۲۲	۱۶۷۷
۱۳۷۹	۸۰۸۷	۱۶۸۶	۱۹۹۱	۴۳۳۲	۲۰۹	۸۶۴	۳۶۵۸	۲۱	۱۳۴۳
۱۳۸۰	۹۴۵۸	۲۴۲۳	۱۹۹۰	۴۶۴۱	۳۱۹	۴۱۲	۳۴۸۶	۲۰	۱۴۱۹
۱۳۸۱	۱۲۴۵۰	۳۰۸۵	۲۸۸۷	۶۰۹۷	۳۳۸	۴۴۵	۳۷۵۶	۲۶	۱۵۲۸

مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی، آمارنامه کشاورزی، سال‌های مختلف، بانک مرکزی، گزارش اقتصادی، سال‌های مختلف...

یکی از دلایل عمده افزایش تقاضای کلی، افزایش رشد جمعیت بود، به طوری که رشد محصولات کشاورزی پاسخ نیازهای ایجادشده را نداده است. تغییر ساختار مواد غذایی، دلیل دیگری است برای افزایش تقاضای کلی برای محصولات کشاورزی. بدین معنی که در سال‌های پس از انقلاب، نوعی برگشت به مواد غذایی اساسی سستی نسبت به مصرف فراورده‌های پروتئینی صورت گرفته است که در واقع یکی از دلایل عمده واردات نیز محسوب می شود (جدول ۸). نکته مهم اینکه پارانه سنگین برای گندم به همراه قیمت‌های بالای فراورده‌های غذایی، سبب کاهش سرانه مصرف فراورده‌های پروتئینی و افزایش مصرف مواد نشاسته‌ای شده است.

دولت به منظور پاسخگویی به نیازهای فزاینده، البته در قالب ساختار مصرف مذکور، طرح محوری گندم را از سال ۱۳۸۱ بمرحله اجرا در آورده که بر اساس گزارش‌های رسمی در سال ۱۳۸۲ به خودکفایی در این محصول رسیده است (جدول ۹) که هر چند موفقیت مهمی است، اما هنوز خیلی زود است که در مورد پایداری آن بحث شود.

جدول ۹- تولید گندم در سال‌های ۸۳-۱۳۷۱ (هزار تن)

سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
تولید	۱۰۱۷۹	۱۰۷۳۲	۱۰۸۷۰	۱۱۲۲۷	۱۰۰۱۵	۱۰۰۱۴	۱۱۹۵۵	۸۶۷۳	۸۰۸۸	۹۴۵۹	۱۲۴۵۰	۱۳۵۳۴

(لطفی ۱۳۸۳)

۲- ضریب خوداتکایی

ضریب خوداتکایی بیشتر محصولات غذایی در جدول ۱۰ محاسبه شده است. همان طوری که مشاهده می شود، ضریب مذکور برای محصولاتی چون سیب زمینی، حبوبات، گوشت قرمز، انواع ماهی و شیر در وضعیت مطلوبی قرار دارد. البته گندم، هر چند تا سال ۱۳۸۰ همانند برنج ضریب پایینی داشته، اما همان طوری که اشاره شد، از سال ۱۳۸۱ به حد خودکفایی رسیده است.

جدول ۱۰- ضریب خوداتکایی محصولات عمده کشاورزی طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۰

سال محصول	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
گندم	۷۴	۷۸/۱	۸۲/۱	۸۲/۴	۷۵/۷	۷۲/۴	۶۲/۸	۷۷/۱	۸۵/۵	۵۹	۵۸/۳
برنج	۷۵/۳	۶۴/۲	۵۷/۶	۷۶/۷	۸۵/۸	۶۵/۴	۷۰/۳	۷۳/۸	۵۹/۹	۵۲/۳	۶۴/۹
سیب زمینی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۹/۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۲/۲	۱۰۰
نیشکر	۵۸/۹	۵۲/۴	۶۵/۳	۵۶/۳	۵۲	۴۰/۱	۲۵/۴	۵۱/۴	۴۳	۵۱/۲	۵۰/۲
حبوبات	۹۳/۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۸/۹	۱۰۲	۱۰۲
روغن نباتی	۷	۱۲/۶	۱۰/۶	۹	۸/۲	۷/۲	۹/۱	۷/۶	۵/۶	۴/۹	۷/۶
گوشت قرمز	۷۹/۳	۹۰/۷	۸۶/۲	۸۹/۷	۸۶/۹	۹۰/۱	۹۲/۲	۹۰/۴	۹۹/۹	۹۷/۸	۹۶/۱
گوشت مرغ	۱۰۰	۹۴/۹	۹۲	۹۹/۷	۹۹/۹	۹۸/۷	۹۹	۱۰۰	۹۸/۱	۹۸/۳	۱۰۲/۲
شیر	۸۳/۴	۹۱/۱	۹۰/۵	۹۶/۱	۶۹/۴	۹۹	۹۷/۹	۹۹	۹۹/۸	۹۹/۱	۱۰۰
انواع ماهی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۹۸/۷	۱۰۰	۹۹/۲	۱۰۰	۹۹/۵	۱۰۱	۹۹/۴

مآخذ: مؤسسه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی ۱۳۸۱: ۴۲.

از بررسی روند عرضه مواد غذایی در کشور معلوم می‌شود که طی سال‌های ۸۰-۱۳۶۸ عرضه سرانه غذا از ۵۵۵ کیلوگرم به ۶۷۲ کیلوگرم رسیده و به همین ترتیب عرضه سرانه انرژی از ۳۰۱۶ کیلو کالری به ۳۵۳۵ کیلوکالری و عرضه سرانه پروتئین از ۷۹/۷ گرم به ۸۹/۹ گرم افزایش پیدا کرده‌است. بررسی مقایسه‌ای عرضه سرانه انرژی طی دوره مطالعه با حد متوسط مورد نیاز سرانه نشان می‌دهد که از نظر کمی میزان متوسط عرضه سرانه مواد غذایی کفایت می‌کند، به نحوی که میزان تامین انرژی طی دوره مذکور بین ۱۱۸ تا ۱۴۷ درصد در سطح کلان است (خضری ۱۳۸۳: ۹۰۶).

بررسی فائو در مورد شاخص امنیت غذایی خانوار در ایران بر اساس انرژی دریافتی نشان می‌دهد که امنیت غذایی خانوار در مناطق شهری کشور طی سال‌های ۷۸-۱۳۶۴ در مجموع روند صعودی داشته و مقدار عددی شاخص از ۷۳ درصد در سال ۱۳۶۴ به ۹۶ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده‌است. تامین امنیت غذایی برای مناطق روستایی از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۳ سیر نزولی و از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۷۸ سیر صعودی را داشته‌است (همان: ۹۰۷-۹۰۶).

۱-۲ دسترسی به غذا

مباحث فوق در مورد تولید و خودکفایی محصولات زراعی نشان می‌دهند که کشور به لحاظ امنیت غذایی (در سطح ملی)، دارای تجربه موفق است. موضوعی که اغلب در زمینه امنیت غذایی بر آن تاکید می‌شود این است که، آیا این تجربه، به دسترسی به مواد غذایی در تمام زمان‌ها و برای تمام افراد منتهی شده است؟ زیرا دسترسی به غذا نه تنها برای ادامه حیات، بلکه برای ایجاد بستری برای مشارکت فعال تمام آحاد مردم در امور مختلف جامعه ضروری است. برای پاسخ به این سؤال به اجمال به توزیع هزینه‌های زندگی، توزیع درآمد و ثروت می‌پردازیم.

۲-۲- توزیع نابرابر هزینه‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهند درصد خانوارهای زیر خط فقر در سال ۱۳۸۰ در مناطق شهری، ۱۸/۷ درصد و در مناطق روستایی، ۲۱/۷ درصد بوده است. نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که در کل کشور، ۱۰ درصد ثروتمندترین قشر جامعه حدود ۳۰ درصد از هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که فقط حدود ۱/۵ درصد از هزینه‌ها به ۱۰ درصد فقیرترین افراد جامعه، تعلق داشته است. بررسی‌های میدانی نگارنده در روستاهای برگزیده آذربایجان شرقی نیز، نابرابری‌های موجود در هزینه زندگی را بین روستاییان نشان می‌دهد (شکوری ۱۳۸۱).

۳-۲- توزیع نابرابر درآمد و ثروت

برآورد دهک‌های درآمدی و ضرایب جینی توزیع درآمد خانوار در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۸ در مناطق شهری و روستایی براساس آمارگیری مرکز آمار ایران (۱۳۷۷) نشان می‌دهد که شدت نابرابری درآمد خانوارها در کل کشور و در مناطق شهری و روستایی در سال ۱۳۷۸ در مقایسه با سال ۱۳۶۵ تا حدی روند افزایشی را داشته است. سهم دهک‌های اول، دوم و دهم در کل کشور افزایش و سهم سایر دهک‌ها در این مدت کاهش پیدا کرده است (جدول ۱۱). بر اساس برآوردی، در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱، ضرایب جینی رقمی حدود ۰/۴ و ۰/۴۳ برای مناطق شهری و روستایی بوده که بیانگر توزیع نامتعادل درآمدی است. بررسی نسبت دهک بالا به پایین بودجه خانوار در جامعه شهری و روستایی بیانگر

توزیع نابرابر بالاخص در جامعه روستایی است (به ترتیب ۱۴ و ۱۹ درصد) (دینی ترکمانی ۱۳۸۳: ۹۷۶). توزیع نابرابرتر شاخص مذکور در جامعه روستایی عمدتاً به دلیل توزیع نابرابر زمین بعنوان شکل غالب ثروت و منبع عمده تامین معیشت است. براساس نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی در سال ۱۳۷۲، حدود ۴۸ درصد بهره‌برداران، ۱۱ درصد از اراضی زراعی را در تملک داشته‌اند (با مساحتی کمتر از ۵ هکتار). در مقابل، ۱/۸ درصد کشاورزان بزرگ‌مالک حدود ۲۰ درصد از اراضی را در اختیار دارند که دست کم ۵۰ و در مواردی بیش از ۲۰۰ هکتار مساحت دارند (جدول ۱۲). با توجه به اینکه اغلب خرده‌مالکان فاقد دارایی‌های دیگراند، می‌توان گفت که حدود ۵۰ درصد آنان در شرایط حداقل زیست معیشتی نامناسبی قرار دارند. یارانه‌های پرداختی دولت به برخی کالاهای خوراکی به‌منظور برطرف کردن این شکاف، بیشتر از این‌نظر موثر بوده که خانوارهای زیر خط فقر را به سطح خط فقر ارتقا داده‌است و نه بیشتر.

جدول ۱۱- ضرایب جینی درآمد کل کشور به تفکیک مناطق روستایی و شهری در سال‌های ۷۵-۱۳۶۵

سال	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۵
نسبت به ۱۳۶۵												
کل کشور	۰/۴۸۶	۰/۴۶۲	۰/۴۶۴	۰/۴۵۱	۰/۴۳۹	۰/۵۰۹	۰/۴۵۶	۰/۴۳۷	۰/۴۵۰	۰/۴۴۷	۰/۴۵۸	۰/۹۴۲
مناطق شهری	۰/۴۵۲	۰/۴۶۳	۰/۴۴۸	۰/۴۳۶	۰/۴۱۸	۰/۴۹۷	۰/۴۳۱	۰/۴۰۶	۰/۴۲۷	۰/۴۲۹	۰/۴۳۵	۰/۹۶۳
مناطق روستایی	۰/۴۲۷	۰/۳۷۹	۰/۳۸۵	۰/۳۸۰	۰/۴۲۷	۰/۴۴۹	۰/۴۲۴	۰/۴۰۹	۰/۴۰۸	۰/۴۱۷	۰/۴۰۶	۰/۹۴۹

مأخذ، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷: ۱۱۳-۱۱۵.

جدول ۱۲- درصد بهره‌برداران و مساحت زمین به تفکیک طبقات بهره‌برداری

	کمتر از ۵	۲۰-۵	۳۵-۲۰	۵۰-۳۵	۱۰۰-۵۰	۱۰۰ به بالا	جمع
بهره‌برداری	۴۸	۶/۸	۶/۸	۱/۷	۱/۴	۰/۴	۱۱۹۳۹۴
مساحت	۱۱/۱	۴۳/۲	۱۹/۶	۷/۹	۱۰/۱	۸	۸۳۶۰۲۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۷۲: ۷.

نتیجه

این نوشته امنیت غذایی و مساله دسترسی به آن را در سال‌های پس از انقلاب مورد بررسی قرار داده‌است. رابطه بین سیاست‌های توسعه کشاورزی و امنیت غذایی محور اصلی مباحث مقاله بوده‌است. موضوع امنیت غذایی در ایران همواره یکی از اهداف عمده برنامه‌های توسعه بوده‌است. امنیت غذایی، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب در چارچوب توسعه کشاورزی و به‌عنوان هدف اصلی آن مورد تاکید قرار گرفته، زیرا سیاست‌های کشاورزی رژیم گذشته منجر به ایجاد شکاف درآمدی بین شهرها و روستاها، مهاجرت شدید روستاییان به شهرها، وابستگی به واردات مواد غذایی و کشاورزی از خارج شده است.

مباحث در دو بخش ارائه شده‌اند: در بخش نخست سیاست‌های کشاورزی مؤثر در تولید مواد غذایی بررسی و عنوان شده که در سال‌های پس از انقلاب این سیاست‌ها، به‌طور چشمگیری تغییر پیدا کرده‌است، هرچند این تغییر در اصل در واکنشی به سیاست‌های کشاورزی قبل از انقلاب بوده و برنامه‌ها، پروژه‌ها و دیدگاه‌ها عمدتاً با توجه به این جنبه مطرح شده‌اند. سیاست‌های کشاورزی پس از انقلاب، بر اساس این فرض شکل گرفته بود که کشاورزی محور توسعه کشور است. از این رو سعی شد با تدوین برنامه‌های پنج‌ساله و اولویت دادن به توسعه بخش کشاورزی به هدف اصلی خود یعنی خودکفایی در کشاورزی و تأمین مواد غذایی دست یابند. دولت راهبرد مشارکت غیر مستقیم را از طریق سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های کشاورزی و سیاست‌های حمایتی از طریق عرضه نهاده‌ها و قیمت‌گذاری دنبال کرد.

بررسی عملکرد سیاست دولت در توسعه کشاورزی و امنیت غذایی نشان می‌دهد با وجودی که دولت ابتدا سرمایه‌گذاری زیادی (در مقایسه با قبل از انقلاب) در بخش کشاورزی انجام داد، ولی این سرمایه‌گذاری‌ها به‌زودی اهمیت خود را از دست داده و میزان افزایش سرمایه‌گذاری به تدریج کند شده و تشکیل سرمایه در این بخش در پایین‌ترین سطح خود باقی مانده‌است. عدم گرایش بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی سیلست تبعیض‌آمیز دولت در این بخش در مقایسه با بخش صنعت و وجود تفاوت‌های زیاد درآمدی بین شهر و روستا، از عوامل عمده ضعف تشکیل سرمایه بوده‌اند.

دولت سیاست‌های تشویقی را در سطح تولیدکننده، که شامل سیاست‌های قیمت‌گذاری و یارانه‌ای در مورد نهاده‌های کشاورزی می‌شد، به مرحله اجرا در آورد. ولی به‌زودی با کمبود ارز خارجی ناشی از کاهش

قیمت نفت در بازارهای جهانی و کاهش میزان تولید نفت به علت جنگ تحمیلی مواجه شد. سیاست‌های حمایتی روند کندی را طی کرد و با محدودیت‌هایی مواجه شد. قیمت نهاده‌ها در دهه ۱۳۶۰ تا حدی ثابت نگه داشته شد، ولی با سیاست آزادسازی در دهه ۱۳۷۰ افزایش پیدا کرد. در واقع، سیاست تثبیت قیمت محصولات زراعی به سیاست تضمین قیمت این محصولات تبدیل شد.

در قسمت دوم مقاله، موضوع امنیت غذایی و مسئله دسترسی به آن مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شده است این سیاست‌ها در مجموع و به‌ویژه در سال‌های اخیر، در افزایش تولیدات محصولات غذایی اساسی در سطح کلان تا حد زیادی موفق بوده‌اند، ولی به دلیل توزیع نامناسب، اقشاری از جامعه با کمبودهای مختلف تغذیه‌ای مواجه شده‌اند. بعبارت دیگر این سیاست‌ها از جهت امنیت غذایی ملی به اهداف خود رسیده، ولی از نظر دسترسی تمام آحاد مردم به مواد غذایی بطور پایدار چندان موفق نبوده‌اند. بنابراین، اقدامات انجام شده در سطح خرد خیلی موثر واقع نشده زیرا با تحول بنیادی ساختارهای نابرابر اقتصادی و اجتماعی به لحاظ تاریخی همراه نبوده و سیاست‌های دولت در حمایت از اقشار پایین و آسیب‌پذیر، بیشتر به ارائه سیستم حمایتی یارانه‌ای در مورد برخی از کالاهای اساسی محدود بوده، که خصلت پایداری نداشته‌اند، و مصرف فرآورده‌های غذایی نیز چندان فراگیر نبوده است. این موضوع در الگوی غذایی کشور، که وجه بارز آن مصرف زیاد غلات به‌ویژه نان و مصرف محدود فرآورده‌های حیوانی و مصرف ناکافی میوه و سبزیجات است، منعکس است. بنظر می‌رسد افزایش سهم فرآورده‌های غنی از پروتئین حیوانی، انواع سبزی‌ها، میوه‌جات در جیره غذایی کشور با استفاده از روش‌ها و فنون جدید و کاهش قیمت‌های این محصولات به‌همراه افزایش قدرت خرید مردم (به‌خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر و فقیر)، و بکارگیری تمهیداتی جهت بهبود توزیع مواد غذایی به سمت همه خانوارها، می‌تواند بخش عمده‌ای از مشکل دسترسی به مواد غذایی را حل کند. در مجموع، بنظر می‌رسد حصول به امنیت غذایی فراگیر و پایدار، دست کم در گرو تحول اساسی در دو سطح توسعه‌ای و سیاست‌گذاری باشد؛ نخست ایجاد توسعه و رشد اقتصادی پایدار (بمفهوم کلان) که بتواند منابع کافی و مستمری برای ایجاد توان خرید و سیاست‌های توزیعی فراهم سازد؛ دوم، اتخاذ تدابیر مناسب برای حل معضل بیکاری و گسترش تأمین اجتماعی، که به‌نوبه خود توان خرید زیادی از افراد فقیر را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ سوم، توجه جدی به مقوله توسعه روستایی به دلیل اینکه بخش قابل توجهی از روستاییان در زمره اقشار آسیب‌پذیر و فقیراند.

مآخذ

- بانک مرکزی ایران (۸۰ - ۱۳۵۶) حساب‌های ملی ایران، تهران. / گزارش چاپ نشده.
- بانک مرکزی ایران (۸۰ - ۱۳۷۱) گزارش اقتصادی و ترانزنامه، تهران. / گزارش چاپ نشده.
- بانک مرکزی ایران (۷۵ - ۱۳۷۰) ترانزنامه سالانه، تهران. / گزارش چاپ نشده.
- حضری، محمد (۱۳۸۳) امنیت و امنیت ملی، مقالات برگیده نخستین همایش کشاورزی و توسعه، ج ۴، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران. / مقاله در مجله.
- دینی ترکمان، علی (۱۳۸۳) برآورد امنیت غذایی در ایران و ارزیابی نحوه‌ی مواجهه رویکردهای نظری رقیب با ناامنی غذایی، ارائه شده در نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران. / مقاله در مجله.
- لطفی، لیلا (۱۳۸۳) خودکفایی گندم در گذر زمان، روزنامه شرق، شماره ۲۳۴۳. / مقاله در روزنامه.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵) گزارش اقتصادی، تهران. / گزارش چاپ نشده.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۸۲ - ۱۳۸۰): گزارش اقتصادی، تهران. / گزارش چاپ نشده.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲) گزارش نظارت بر عملکرد سه ساله اول برنامه سوم، تهران. / گزارش چاپ نشده.
- شکوری، علی (۱۳۸۱) پژوهشی در توسعه و نابرابری در مناطق روستایی، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۱. / مقاله در مجله.
- شکوری، علی (۱۳۸۳) بررسی ماهیت تحول کشاورزی در ایران، ارائه شده به نخستین همایش بین‌المللی کشاورزی و توسعه ملی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران. / مقاله در مجله.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۸، ۱۳۵۱ و ۱۳۳۸) سرشماری کشاورزی، تهران. / گزارش چاپ شده.
- مرکز آمار ایران (۸۰ - ۱۳۶۷) ایران در آینه آمار، تهران. / گزارش چاپ شده.
- مراکز آمار ایران (۷۰ - ۱۳۶۷) سالنامه آماری، تهران. / گزارش چاپ شده.

- مرکز آمار ایران (۱۳۷۲) نتایج تفصیلی سرشماری عمومی، تهران. / گزارش چاپ شده.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۳) نتایج تفصیلی سرشماری کشاورزی در سال ۱۳۷۲، تهران. / گزارش چاپ شده.
- مرکز آمار ایران (۸۲-۱۳۵۷) مطالعات بودجه خانوار، تهران. / گزارش چاپ شده.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷) اندازه شاخص‌های فقر و نابرابری توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵. / گزارش چاپ نشده.
- میلانی سید علی (۱۳۷۸) کشاورزی ایران: امکانات بالقوه کشاورزی ایران و حدود استفاده آنها اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۴ - ۱۳۹، ۱۴۲ - ۱۴۱. / مقاله در مجله.
- مجتهد، (۱۳۷۲) ارزیابی سیاست کشاورزی ایران، مجموعه مقالات سمینار مسائل توسعه کشاورزی ایران، وزارت کشاورزی. / مقاله در کتاب.
- موسسه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۱) ترازنامه غذایی ایران، وزارت جهاد کشاورزی. / گزارش چاپ نشده.
- لطیف، بیژن، (۱۳۶۸) نقش و جایگاه سرمایه توسعه کشاورزی ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۳. / گزارش چاپ نشده.
- لطفی، لیلا (۱۳۸۳)، خود کفایی گندم، روزنامه شرق، شماره ۳۴۳ آبان ۱۳۸۳. نشریه بزرگ (۱۳۷۳) شماره ۶۷۴. / مقاله در روزنامه.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۱) طرح افزایش عملکرد و تولید گندم آبی و دیم کشور ۹۰-۱۳۸۱. / گزارش چاپ نشده.
- وزارت کشاورزی (۱۳۶۷ - ۱۳۶۰) گزارش کشاورزی. / گزارش چاپ نشده.
- وزارت کشاورزی (۱۳۵۷) خطوط اصلی، هدف و سیاست سازمان کشاورزی در ایران. / گزارش چاپ نشده.
- وزارت جهاد سازندگی (۱۳۷۷)، بررسی اعتبارات روستایی، معاونت عمران روستایی، تهران. / گزارش چاپ نشده.

○ وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۵۸-۸۱) آمارنامه کشاورزی، سال‌های مختلف، تهران. / گزارش

چاپ نشده.

- Amoozegar, J. (1993) *Iran's Economy under the Islamic Republic*, London: I.B. Tauris.
- J. Byres, T. J. (1982) *Agrarian Transition and Agrarian Question*, in Harriss.
- FAO (1992) *The Global Challenge*, United Nations Organization.
- Ferguson, J. (1990) *The Anti-Politics Machine: Development, Depoliticisation, and Bureaucratic Power in Lesotho*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Griffin, K. (1979) *The Political Economy of Agricultural Change: An Essay on the Green Revolution*, London: Macmillan.
- Harriss, J. (ed.) (1982) *Rural Development: Theories of Peasant Economy and Agrarian Change*, London: Hutchinson.
- Johnston B. F. and P. Killy (1982) *Unimodal and Biomodal Strategies of Agrarian Change*, in J. Harriss.
- Katouzian, H. (1980) *Political Economy of Iran*, Oxford: Oxford University Press.
- Lea, D. A. M. and Chaudari, D. P. (1983) *An Introduction to the Sociology of Rural Development*, London: Tavistock.
- Ministry of Energy (1993) *A General View on Iranian Dam: Past, Present and Future*, Tehran.
- Mojtahed. A. and H. Esfahani (1989) *Agricultural policy and Performance in Iran: the Post-Revolutionary Experiences*, *World Development*, vol. 17, no. 6 pp. 839-60.
- Schirazi, A. (1993) *Islamic Policy, The Agrarian Question in Iran*, trans, P.J. Ziess-Lawerence, London: Lynne Rienner.
- Shakoori. A. (2001) *The State and Rural Development in Post-revolutionary Iran*. London: Palgrave.
- United Nations (2003) *Human Development Report /2003*, New York: United Nations Publications.
- Williams, E. (1982) *Taking the Part of Peasants*, in J. Harriss.

- World Bank (1991) Iran: Reconstruction and Economic Growth, vols 1-2, report no. 9072IRN, Washington, Dc: World Bank.
- World Bank (2004 Islamic Republic of Iran: An Agricultural Policy Note, June 22, no. 29428-IR, Washington, Dc: World Bank.